

مقایسه دو ترجمه کتاب

اقتدا به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اقتدا به محمد(ص)، نگرشی نو به اسلام در جهان معاصر؛
کارل ارنست؛ ترجمه قاسم کاکایی؛ تهران: انتشارات هرمس،
چاپ سوم، ۱۳۹۱.

اقتدا به محمد(ص)، نگرشی نو به اسلام در جهان معاصر؛
کارل ارنست؛ ترجمه حسن نورائی بیدخت؛ تهران: انتشارات حقیقت،
چاپ اول، ۱۳۸۹.

آنچنان با جان و دل دروادی تحقیق گام برمی دارد که گویی بر آن سرشت زاده شده و سال‌ها با آن زیسته و آن را با پوست و گوشت و خون خود حس کرده است. شاهد این معنا، آثاری است که از او در دست است. کتاب روزبهان: بقلی را به دلیل عشق مثال‌زدنی که به روزبهان داشت در ۱۹۹۷ به رشته تحریر درآورد و در ۱۳۸۷ جایزه دومین جشنواره فارابی را از آن خود کرد. از دیگر آثار او می‌توان به شهدای صوفی عشق (۲۰۰۲)، تعالیم صوفیه (۱۹۹۹)، بهشت برین (۱۹۹۳) و شطحیات در عرفان (۱۹۸۵) اشاره کرد. (مقدمه کاکایی، ص ۱۰ - ۱۱)

کتاب اقتدا به محمد(ص) اثری است که دکتر ارنست در هنگامه یازده سپتامبر نوشت و با نگرارش آن انتقادات زیادی را به جان خرید، اما به راستی انگیزه او از نوشتن چنین کتابی چه بود؟ در پاسخ به این پرسش نباید از یاد ببریم که پدیده اسلام‌هراسی در غرب، موضوع تازه‌ای است که بحث‌های فراوانی در پی داشته است. این پدیده گویی نمودگار تجدید جنگ‌های صلیبی است که میان تمدن غرب و تمدن اسلام در گرفته است. دکتر ارنست دقیقاً از همین نقطه به موضوع می‌نگرد و با نگاهی ژرف می‌نویسد:

کتاب حاضر بدان منظور نگاشته شده است تا جایگزین کاملاً متفاوتی باشد برای کتاب‌هایی که در مورد اسلام شایع و رایج است. آنچه در اینجا ارائه می‌شود، دیدگاه جانبدارانه و در عین حال مدلل و تحلیلی است در مورد سنت دینی اسلام و مسائلی که اخیراً مسلمانان با آن مواجه‌اند. من از برداشتهای متعارف به جد فاصله می‌گیرم تا فهمی غیر بنیادگرایانه از اسلام ارائه دهم.

چکیده: کتاب اقتدا به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از جمله مهم‌ترین آثاری است که توسط اسلام‌شناس معاصر کارل ارنست در پاسخ به تصورات نادرست درباره اسلام در غرب، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در نوشتار حاضر، به مقایسه ترجمه آقایان قاسم کاکایی و حسن نورائی بیدخت از کتاب مذکور و باز نمودن محاسن و معایب آنها همت گماشته است. به دلیل اهمیت زیاد فصل پنجم کتاب یعنی معنویت در عمل، نویسنده تمرکز خود را بر این فصل قرار داده و بررسی کوتاهی نیز بر سایر فصول دارد. وی در راستای این هدف، عبارات و کلماتی را در دو ترجمه مقایسه کرده و گاهی پیشنهاد خود را نیز به آنها افزوده است.

کلیدواژه‌ها: کتاب اقتدا به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، کارل ارنست، چهره اسلام در غرب.

نویسنده کتاب اقتدا به محمد(ص) مسلمان نیست، اما در میان دانشگاهیان امریکا یکی از سرسخت‌ترین مدافعان اسلام شناخته می‌شود. دفاع او از اسلام بنا به مصلحت یا از سرتفتن یا انجام یک پروژه دانشگاهی نیست. او مردی از تبار حق‌جویان و حق‌گویانی است که شاید امروز روز تعدادشان از شمار انگلستان دست‌کم کمتر باشد. پافشاری وی در تحری حقیقت زبانه‌زده اهل علم است؛ آنچنان که از غوغای سیاست‌بازان و ارباب زورگویان و تلبیس‌مزوران نمی‌هراسد و استوار و راسخ در راه حقیقت گام برمی‌دارد. بسیار شنیده‌ایم که درباره قبل و حین و بعد حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ مقاله‌ها و کتاب‌ها نوشتند و هزاران مصاحبه و سخنرانی و همایش برگزار کردند و مسبب آن را مسلمانان معرفی کردند، اما کمتر شنیده‌ایم که بعد از آن حادثه، مردی غربی بی‌باکانه و یک‌تنه به دفاع از اسلام برخیزد و بر تعالیم قرآن تأکید ورزد. او کسی جز دکتر کارل ارنست نیست که در سال ۲۰۰۲ بی‌توجه به آنچه در امریکا رخ داد بود، گزیده‌ای از قرآن را کتاب درسی همه دانشجویان ورودی دانشگاه کارولینای شمالی تعیین کرد و همین امر باعث شد تا محافل صهیونیستی و بنیادگرایان تندرو مسیحی شکایات متعددی علیه او اقامه کنند.

دکتر ارنست همدلانه به تعالیم اسلام و سیرت پیامبر اکرم(ص) و سخنان صوفیه می‌نگرد و همچون استاد معظم خود، آنماری شیمل،

آنهاست. به دلیل اهمیت زیادی که فصل پنجم کتاب برای ما داشت، کار خود را بر روی همین فصل متمرکز کردیم و بررسی کوتاهی نیز در سایر فصول داشتیم و عبارات و کلماتی را در دو ترجمه مقایسه کردیم و گاهی پیشنهاد خود را نیز به آنها افزودیم. آنچه در پی می‌آید، نکاتی است که نگارنده استخراج و برای تلخیص، آنها را با نام «کاکایی» و «نورائی» ذکر کرده است. همچنین «ص» مختصر صفحه و «س» مختصر سطر است.

1. Frequently, bookstores interfile books on spirituality in the large section on health and self-help, while religion is left to a small and forlorn stack of Bibles and other authoritative texts (p. 164).

کاکایی: کتابداران اکثر کتابهای مربوط به معنویت را در قسمت وسیع [و پررمان] بهداشت و خوددرمانی، طبقه‌بندی می‌کنند، در حالی که دین در قفسه کوچک و متروک کتابهای مقدس و سایر متون دینی معتبر جای می‌گیرد (ص ۱۸۳).

نورائی: بارها دیده شده که کتاب فروشی‌ها کتاب‌های مربوط به معنویت را در بخش وسیع‌تر مربوط به سلامت و خودیاری جای می‌دهند، حال آنکه بخش مربوط به دین، صرفاً به چند جلد کتاب مقدس و سایر متون دینی معتبر اختصاص می‌یابد (ص ۲۵۲).

توضیح: نورائی در مقابل «large»، از صفت تفضیلی «وسیع‌تر» استفاده کرده که اشتباه است و «وسیع» درست است. همچنین کاکایی، «کتابهای مقدس» را معادل «Bibles» قرار داده که اشتباه است؛ زیرا در اینجا «Bibles» با حرف بزرگ شروع شده و قطعاً به معنی «کتاب مقدس» (شامل عهد عتیق و عهد جدید) است نه کتاب‌های مقدس. دیگر اینکه نویسنده آن را به این دلیل به صورت جمع به کار برده که می‌خواهد بگوید چند مجلد از «کتاب مقدس» در یک قفسه قرار دارد و اگر منظور «کتابهای مقدس» بود، باید از کلمه «scriptures» استفاده می‌کرد.

2. They stand as the first example of organized spiritual life based on a community that shared everything (p. 167).

کاکایی: آنان اولین الگوی تشکیل حیات معنوی در درون فرقه‌ای می‌باشند که همه چیزشان اشتراکی است (ص ۱۸۷).

نورائی: آنها نخستین نمونه زندگی معنوی سازمان یافته جماعتی هستند که در همه چیز مشارکت دارند (ص ۲۵۷).

توضیح: در ترجمه نورائی، «در همه چیز مشارکت دارند» برای «shared everything» قطعاً اشتباه است. کاکایی عبارت را کاملاً درست به «همه چیزشان اشتراکی است» برگردانده است.

او در همین راستا اقتدا به محمد(ص) را منبع درسی معرفی کرد تا برای واحد «آشنایی با اسلام» در دانشگاه کارولینای شمالی تدریس شود. (مقدمه کاکایی، ص ۱۲-۱۴)

اقتدا به محمد(ص) شامل شش فصل است که عبارتند از: اسلام در چشم غرب، رویکرد به اسلام در قالب دین، منابع قدسی اسلام، اخلاق و حیات دنیوی، معنویت در عمل و بازاندیشی به اسلام در قرن بیست و یکم. جان کلام دکترانست این است که نباید درباره مسلمانان کلیشه‌پردازی کرد. مسلمانان مردمی هستند با ملیت‌های مختلف و دارای نژادهای گوناگون و اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی متفاوت. بنابراین نمی‌توان عمل جمعی از مسلمانان بنیادگرا و سلفی را به حساب همه مسلمانان گذاشت. افزون بر آنکه عمل مسلمانان بنیادگرا و سلفی نیز ریشه در اسلام ندارد، بلکه متأثر از اوضاع و احوال سیاسی خاص و بخصوص واکنشی است نسبت به استعمار (مقدمه کاکایی، ص ۱۷).

این کتاب بلافاصله پس از انتشار با اقبال گسترده‌ای در غرب و بین مسلمانان روبرو شد و به زبان‌های آلمانی، فرانسوی، ترکی، عربی، هندی و کره‌ای ترجمه شد. همچنین در مصر و مالزی و ترکیه از دکتر انست تقدیر شد و جوایز مختلفی به وی تعلق گرفت. در سال ۱۳۸۶ نیز مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه و دانشگاه شیراز، به صورت مشترک، به دلیل این کتاب از او تقدیر و به او جایزه‌ای تقدیم کردند.

در ایران نیز اقتدا به محمد(ص) از چنان اقبالی برخوردار بود که دو ترجمه از آن صورت گرفت و همزمان به چاپ رسید. یکی ترجمه دکتر قاسم کاکایی که انتشارات هرمس در سال ۱۳۸۹ منتشر کرد و خیلی زود به چاپ سوم رسید. دکترانست به دلیل آشنایی که با دکتر کاکایی دارد، بر این ترجمه یادداشتی نوشته و بر اعتبار آن افزوده است. ترجمه دوم را آقای حسن نورائی بیدخت انجام داده و انتشارات حقیقت در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است. بر این ترجمه نیز آقای دکتر شهرام پازوکی مقدمه نوشته و آن را بازننگری کرده و بدین ترتیب به ترجمه اعتبار بخشیده است. دکتر پازوکی در مقدمه خود می‌نویسد: «در پاسخ به... تصورات نادرست درباره اسلام در غرب، تنی چند از اسلام‌شناسان معاصر که از طریق تصوّف و عرفان با این دین مبین آشنا شده و در دل و جان خویش به آن تعلق نیز دارند، تألیف آثاری که عمدتاً به زبان انگلیسی است را آغاز کردند. کتاب اقتدا به محمد(ص)... از جمله مهم‌ترین این آثار است». بنابراین اگر بنا باشد از دریچه عرفان و تصوّف به کتاب دکترانست بنگریم، مهم‌ترین فصل کتاب، فصل پنجم، یعنی «معنویت در عمل» است که درباره تصوّف و تجربه عرفانی و ارتباط آن با تشیع و نیز تصوّف این روزگار و هنر اسلامی بحث شده است.

در مقاله پیش رو کار ما مقایسه دو ترجمه و بازنمودن محاسن و معایب

نورائی: بدین ترتیب، اشعار عربی ابن فارض (متوفی به سال ۱۲۳۵ میلادی) شاعر معروف صوفی، در قاهره مرتباً در مزار وی، قبل از برگزاری تجمعات، به ویژه در هنگام برگزاری مراسم سالانه خوانده می شود (ص ۲۶۹).

توضیح: «before mass audiences» به معنی «در برابر انبوه شنوندگان» است نه «قبل از برگزاری تجمعات». «regularly» نیز در اینجا به معنی «با نظم» یا «با قاعده» است، نه «مرتباً» و «به نحو زیبایی».

6. ...the measured dance of the Mevlevi Sufis, or "whirling dervishes." (p. 177).

کاکایی: رقص موزون صوفیان فرقه مولویه که به «چرخش دراویش» مشهور است (ص ۱۹۶).

نورائی: نوعی رقص (حرکات موزون) صوفیان مولوی یا «دراویش چرخنده» (ص ۲۶۹-۲۷۰).

توضیح: «whirling dervishes» توضیحی است برای «Mevlevi Sufis»، نه برای «the measured dance»، بنابراین ترجمه نورائی درست است که به «دراویش چرخنده» برگردانده است. این اصطلاح را سیاحان فرنگی برای صوفیانی فرقه مولویه در قونیه وضع کردند که به صورت دسته جمعی با جامه های دراز سبزی سفید به رقص و سماع می پردازند.^۱

7. A number of outstanding personalities of the twelfth and thirteenth centuries lent their names to associations that developed individual spiritual methods or way (tariqas)... (p. 177).

کاکایی: برخی از تشکلهایی که «طریقت»ی برای رشد معنوی فردی ... ارائه می دهند، نام خود را از شخصیت های برجسته قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی وام گرفته اند.

نورائی: اسامی شماری از شخصیت های برجسته قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی مأخوذ از انجمن هایی است که طریقه های معنوی خاصی را گسترش دادند.

توضیح: نورائی جمله را کاملاً برعکس ترجمه کرده است. چه این انجمن ها یا تشکل ها هستند که نام خود را از شخصیت های برجسته گرفته اند. مثلاً چشتیه نام خود را از معین الدین چشتی گرفته است و سهروردیه از شهاب الدین سهروردی و نقشبندیه از بهاء الدین نقشبند. نویسندگان نیز فعل «dent» را به کار برده که به معنی «قرض گرفتن» است نه «قرض دادن». گذشته از این چون که این متن را خواننده فارسی زبان می خواند، بهتر بود که در هر دو ترجمه، قرون هجری نیز در کنار قرون میلادی ذکر می شد.

۱. رک به: زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، ص ۸۳.

3. ...early ascetics and pious leaders were viewed as a chain of masters and disciples who had safeguarded and transmitted a mystical knowledge that originated with the Prophet (p. 175).

کاکایی: پیشوایان زاهد و عابد قدیم را به صورت زنجیره ای از استادان و شاگردانی تصویر می کردند که یک نوع معرفت عرفانی را که از پیامبر (ص) نشئت گرفته بود، حفظ کردند و به نسل های بعد منتقل کردند (ص ۱۹۳-۱۹۴).

نورائی: زاهدان و رهبران دینی متقی به عنوان زنجیره یا سلسله ای از مشایخ و مریدانی تلقی می شدند که علمی عرفانی را که بر حضرت محمد (ص) نازل شده بود حفظ و منتقل کردند (ص ۲۶۶-۲۶۷).

توضیح: در ترجمه نورایی، «نازل شده بود» معادل درستی برای «had originated with» نیست. در این عبارت بحث بر سر معرفت عرفانی صوفیه و اخذ آن از پیامبر (ص) است، نه نزول علم عرفانی بر حضرت محمد (ص). بنابراین ترجمه کاکایی درست است.

4. The saints were seen as the invisible supports of the world, a hierarchy of holy men and women who were under God's protection (p. 175).

کاکایی: متصوفه اولیا را سلسله ای از مردان و زنانی می دانستند که خدا حافظ ایشان است و ایشان حافظان غیبی عالم وجودند (ص ۱۹۴).

نورائی: اولیای خدا به عنوان لنگرهای نامرئی کشتی جهان و سلسله ای از مردان و زنان مقدّسی توصیف می گردند که تحت حفاظت الهی قرار دارند.

توضیح: عبارت تشبیهی «لنگرهای نامرئی کشتی جهان» برای «the invisible supports of world» نادرست، نابجا و غیرضروری است. کاکایی معادل مناسبی برای این عبارت انتخاب کرده و با یک جابجایی حرفه ای، «خدا حافظ ایشان است» را در کنار «ایشان حافظان غیبی عالم وجودند» قرار داده است. با وجود این، کاکایی واژه «holy» را در ترجمه خود از قلم انداخته است که در اینجا بهتر است به «پاک» ترجمه شود.

5. Thus the Arabic poetry of the noted Sufi poet Ibn al-Farid (d. 1235) in Cairo has been regularly recited at his tomb before mass audiences, particularly at his annual festival (p. 176).

کاکایی: چنان که اشعار عربی شاعر بزرگ صوفی، ابن فارض (متوفای ۱۲۳۵ میلادی)، در مقبره اش واقع در قاهره، در برابر انبوه شنوندگان، بویژه در مراسم سالگرد وی، به نحو زیبایی قرائت می شود (ص ۱۹۵).

کاکایی: مراسم پرطول و تفصیل تشریف به سلسله نیز در کار بود که طی آن، اعطای خرقه و کلاه یا عصای شیخ به مرید نشانه ورود او به سلسله بود.

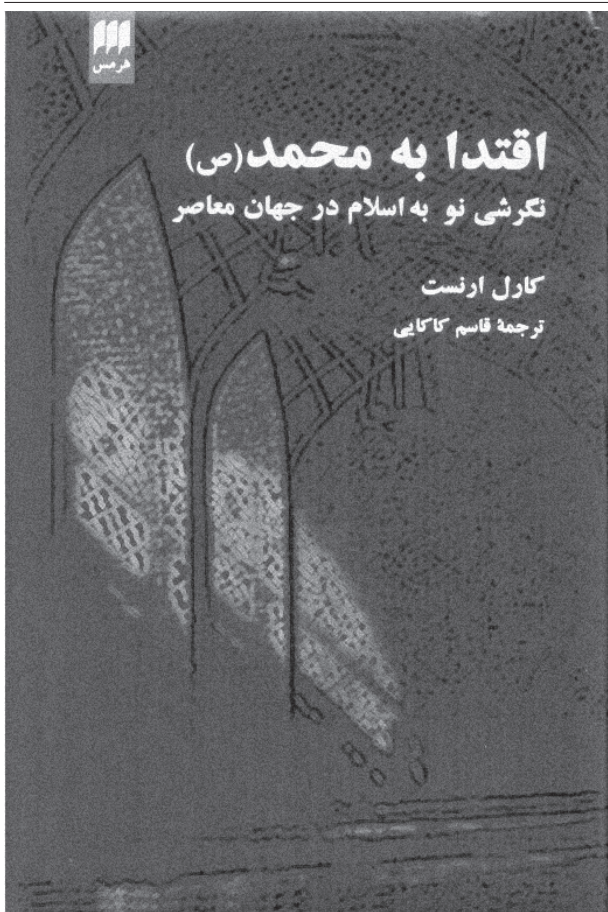
نورائی: پیوستن به یک سلسله تصوف و به بیان دیگر دستگیری از طالبان آیین خاصی داشت که از آن جمله می‌توان به اهدای چیزهایی از طرف شیخ از قبیل خرقه درویشی، کلاه و امثال آنها به طالب اشاره کرد که مشخصه ورود یک مرید جدید بود (ص ۲۷۲).

توضیح: ترجمه کاکایی آنجا که گفته «اعطای خرقه و کلاه یا عصای شیخ به مرید» درست نیست؛ چه خرقه و کلاه و عصا، از طرف شیخ به سالک مبتدی داده می‌شود، نه خرقه و کلاه و عصای شیخ. در سلسله‌های صوفیه، خرقه و کلاه و عصای شیخ را عمدتاً بعد از مرگ شیخ به خلیفه او می‌دادند. همچنین نورائی ترجمه «staff» را از قلم انداخته است.

* * *

در فصول کتاب و به ویژه در فصل پنجم، موارد دیگری نیز هست که معادل‌های اشتباه یا نامناسب برای برخی واژه‌ها یا عبارات به کار رفته است. به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌کنم:

- «گوشه خوک باعث مرگ وی شد» (کاکایی، ص ۳۲، س ۴)، به



8. ... there are also several Shi'i Sufi orders (pp.177-178).

کاکایی: چندین سلسله تصوف شیعی نیز، بخصوص در ایران وجود دارد (ص ۱۹۷).

نورائی: تعداد کثیری سلسله تصوف شیعه نیز، مخصوصاً در ایران وجود دارند (ص ۲۷۱).

توضیح: در فرهنگ لغت‌های انگلیسی در تعریف «several» آمده: a number of people or things that is more than two or three, but not many. بنابراین معادل دقیق آن «چندین» است نه «تعداد کثیری». وانگهی آیا واقعاً تعداد کثیری سلسله شیعی در ایران وجود دارد؟ آیا تعداد سلسله‌های شیعی در ایران از انگلستان یک دست تجاوز می‌کند؟

9. Complicating the concept of the Sufi order is the phenomenon of multiple initiation ... (p. 178).

کاکایی: یک مسئله که مفهوم سلسله صوفیانه را پیچیده می‌کند، پدیده چندمبدئی بودن است ... (ص ۱۹۷).

نورائی: چیزی که پیچیدگی مفهوم سلسله تصوف را موجب می‌شود، همانا پدیده تشریف چندگانه به آن است ... (ص ۲۷۱).

توضیح: به نظرم معادل «تشریف چندگانه» برای «multiple initiation» دقیق‌تر و مفهوم‌تر از «چندمبدئی بودن» است. مراد از این عبارت آن است که سالک، همزمان می‌تواند در چند سلسله وارد شود و به چند شیخ مختلف دست ارادت دهد. این رسم در تصوف متأخر رایج شد. در تصوف کلاسیک چنین چیزی متداول نبود و سالک تنها باید به یک شیخ سر می‌سپرد. نورائی در توضیح «تشریف چندگانه» در پاورقی (ص ۲۷۲) نوشته است: «ظاهراً منظور مؤلف از اخذ تعالیم در سلسله‌های مختلف، به صورت علمی و کسب دانایی است، وگرنه معمول آنها این است که در یک سلسله سلوک کنند». دعوی نورائی نمی‌تواند درست باشد؛ چه عمدتاً از قرن دهم هجری به بعد صوفیه، بخصوص در شبه قاره هند و سپس در جنوب شرق آسیا وارد چند سلسله می‌شدند و اذکار مختلف می‌گرفتند و حتی گاهی در چند سلسله به مقام شیخی می‌رسیدند. بنابراین ورود آنها به سلسله‌های مختلف فقط برای کسب علم و دانش نبود. برای نمونه می‌توان به احمد سرهندی معروف به «مجدد الف ثانی» در قرن دهم در هند و نورالدین رانیری در قرن یازدهم در سوماترا اشاره کرد.

10. Elaborate initiation rituals took place in which the master's presentation of articles such as a dervish cloak, hat, or staff would signify the disciple's entrance into the order (p. 178).

- جای «توسط خوک‌ها به قتل رسید» (نورائی، ص ۴۳، ۸).
- انسانیت» (نورائی، ص ۱۲۶، ۱۳) برای «humanity»، به جای «شریعت» (کاکایی، ص ۹۴، ۲۵).
- «واعظ دوره‌گرد» (کاکایی، ص ۹۶، ۱۹) برای «itinerant preacher»، به جای «یک مبلغ سیتار» (نورائی، ص ۱۲۹، ۲).
- «رومیان اورا به جرم شورش اعدام کردند»، به جای «به عنوان یک شورشی توسط رومی‌ها اعدام شد» (نورائی، ص ۱۲۹، ۳-۲).
- «تا مانند گدایان زندگی کند»، به جای «تا به صورت یک گدا زندگی کند» (نورائی، ص ۱۲۹، ۴-۵).
- نویسنده قطعه‌ای از اخلاق جلالی جلال‌الدین دوانی درباره پیامبر(ص) نقل کرده که کاکایی (ص ۱۰۴) به اصل منبع رجوع نکرده و ترجمه انگلیسی دکترارنست را به فارسی برگردانده است، ولی نورائی (ص ۱۳۹) خوشبختانه آن قطعه را از اخلاق جلالی نقل کرده است.
- «سنت متحجرانه» (کاکایی، ص ۱۸۳، ۱۰) برای «the dogmatic orthodoxy»، به جای «درست‌پنداری (ارتدکسی) جزم‌اندیشانه» (نورائی، ص ۲۵۱، ۱۰-۹).
- زمینه اصلی دیگر (نورائی، ص ۲۵۲، ۱) برای «Another radical context»، به جای «زمینه دیگر» (کاکایی، ص ۱۸۳، ۱۱).
- اندیشه‌های مبهم و آشفته (کاکایی، ص ۱۸۴، ۱۸) برای «obscure and muddled thinking»، به جای «تفکر پنهان و ناشناخته» (نورائی، ص ۲۵۳، ۹).
- «عارفی برجسته» (کاکایی، ص ۱۸۴، ۲۰) برای «a typical mystic»، به جای «یک عارف» (نورائی، ص ۲۵۳، ۱۲).
- «سلسله‌های رهبانی کاملاً سازمان‌یافته و منظم» (نورائی، ص ۲۵۴، ۶-۵) برای «highly organized and disciplined monastic orders»، به جای «سلسله‌های راهبانه» (کاکایی، ص ۱۸۵، ۷-۸).
- «در بافت اسلامی» (کاکایی، ص ۱۸۵، ۹) برای «in an Islamic context»، به جای «در محتوایی اسلامی» (نورائی، ص ۲۵۴، ۷-۸).
- «شاعر سنتی ایرانی» (کاکایی، ص ۱۸۵، ۱۸) برای «the classical Persian poet»، به جای «شاعر پارسی‌گوی کلاسیک» (نورائی، ص ۲۵۴، ۱۸).
- «تلقی منفی سلفی‌ها از تصوف» (کاکایی، ص ۱۸۶، ۸-۹)، به جای «ارزیابی منفی مسلمانان سلفی در قبال تصوف» (نورائی،
- ص ۲۵۵، ۱۸).
- «فرشتگان و روح» (نورائی، ص ۲۵۶، ۵-۶) برای «the angels, and the Spirit»، به جای «فرشتگان و جبرئیل» (کاکایی، ص ۱۸۶، ۱۷).
- «حرکت دوگانه حضور ربوبیت [در سطح بشری] و عروج نبوی [به سوی خدا]» (کاکایی، ص ۱۸۶، ۲۱-۲۲) برای «This dialectic of divine presence and prophetic ascent»، به جای «این دیالکتیک نزول امرالهی و عروج نبوی» (نورائی، ص ۲۵۶، ۹-۱۰).
- «محاسبه و مراقبه» (کاکایی، ص ۱۸۷، ۱۳) برای «psychological introspection and moral analysis»، به جای «درون‌نگری در نفس خویش و تحلیل‌های اخلاقی» (نورایی، ص ۲۵۷، ۹-۱۰).
- «عُرس» (نورائی، ص ۲۶۸، ۱۸)، به جای «عروسی» (کاکایی، ص ۱۹۵، ۱۰).
- «تنه» (نورائی، ص ۲۶۹، ۵) برای «Tatta»، به جای «تنه» (کاکایی، ص ۱۹۵، ۱۶).
- «پرونده‌های امنیتی» (کاکایی، ص ۱۹۹، ۹) برای «police dossiers»، به جای «پرونده‌هایی پلیسی» (نورائی، ص ۲۷۴، ۱۶).
- «عربستان و ایران» (نورائی، ص ۲۷۵، ۲۱)، به جای «عربستان سعودی» (کاکایی، ص ۲۰۰، ۶).
- «اخوان المسلمین» (نورائی، ص ۲۷۶، ۴)، به جای «اخوان‌الصفاء» (کاکایی، ص ۲۰۰، ۱۰).
- «اشعار جلال‌الدین مولوی» (نورائی، ص ۲۷۷، ۱۲-۱۳)، به جای «مثنوی [جلال‌الدین] رومی» (کاکایی، ص ۲۰۱، ۱۰).
- نکته آخر را بگویم و مقاله را به پایان ببرم. هر دو ترجمه از حیث حروفچینی و صفحه‌آرایی و نوع جلد و تصویرری جلد در حد قابل قبول‌اند. برخلاف اصل انگلیسی متن که به لحاظ حروفچینی و صفحه‌آرایی پایین‌تر از حد متوسط است. غلط‌های چاپی نیز در هر دو ترجمه بسیار اندک است. هر دو ترجمه قابل استفاده است و معایب و محاسنی دارد، ولی در مجموع به نظرم ترجمه کاکایی روان‌تر و خوش‌خوان‌تر است.